



چرا کارل مارکس مدام دست به بازنگریِ جلد اول سرمایه می‌زد؟

1403-10-03

چرا کارل مارکس مدام دست به بازنگریِ جلد اول سرمایه می‌زد؟

مارچلو موستو

پارسا زنگنه

فایل پی دی اف: چرا کارل مارکس مدام دست به بازنگریِ جلد اول سرمایه می‌زد؟

هرچه از انتشار کتاب سرمایه اثر کارل مارکس دهه‌ها بگذرد و هرچه این اثر به‌عنوان کتابی قدیمی و بی‌استفاده به حاشیه رانده شود، بازهم مرتباً به کانون مباحث باز می‌گردد. این کتاب که 157 سال قدمت دارد (نخستین انتشار: 14 سپتامبر 1867)، و «نقد اقتصاد سیاسی» است، هنوز هم تمام ویژگی‌های یک اثر عظیم کلاسیک را در خود دارد: با هر بازخوانی، اندیشه‌های جدیدی را به ذهن می‌آورد و قادر است منظرهای پراهمیتی از وضعیت کنونی و گذشته را روشن سازد.

یکی از برجسته‌ترین مزایای سرمایه این است که به ما کمک می‌کند تحولات لحظه حاضر را در چشم‌انداز تاریخی مناسبی قرار دهیم. ایتالو کالوینو نویسنده معروف ایتالیایی گفته یکی از دلایلی که باعث می‌شود یک اثر کلاسیک کلاسیک بماند، این است که به ما کمک می‌کند «رخدادهای جاری را به صدای پس‌زمینه محول کنیم». این‌گونه آثار به پرسش‌هایی ذاتی اشاره می‌کنند که تا به درستی درک‌شان نکنیم و از دل‌شان راهی نیابیم، نمی‌توانیم ازشان درگذریم. برای همین است که کلاسیک‌ها همیشه توجه نسل‌های جدید خوانندگان را جلب، و با وجود گذشت زمان بازهم اهمیت خود را حفظ می‌کنند. این دقیقاً همان چیزی است که می‌توانیم در مورد سرمایه، و ناظر به 157 سال قدمتی که دارد، معترف باشیم. در واقع با گسترش سرمایه‌داری در جای‌جای کره زمین و نفوذ آن به تمام حوزه‌های وجودی‌مان، این کتاب مستدل‌تر شده است.

بازیابی اثر عظیم مارکس پس از بحران اقتصادی سال‌های 2007 تا 2008 به یک ضرورت واقعی - تقریباً یک پاسخ اضطراری به آنچه در حال وقوع بود - بدل شد. اگر پس از سقوط دیوار برلین، اثر عظیم مارکس به فراموشی سپرده شده بود، بازهم این کتاب می‌توانست به ما کمکی شایان

کند تا دلایل راستین جنون ویرانگر سرمایه‌داری را بفهمیم. بنابراین در آن اثناء که شاخص‌های بورس جهانی صدها میلیارد دلار از دست می‌دادند و بسیاری از مؤسسات مالی ورشکسته می‌شدند، سرمایه توانست تنها ظرف چند ماه رکورد فروش تمام بیست سال گذشته خود را بزند. ولی حیف! احیای سرمایه با آنچه از نیروهای چپ سیاسی باقی‌مانده بود، مقارن نشد. خودشان را فریب دادند! فکر می‌کردند می‌توانند با نظامی که اصلاح‌ناپذیری خود را روزافزون نشان می‌داد، بازی کنند. وقتی وارد دولت شدند، رفتند دنبال تدابیر تسکینی میانه‌گرایی که هیچ تاثیری در کاهش نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی فزاینده و بحران زیست‌محیطی جاری نداشت. نتایج این انتخاب‌ها برای همه روشن است.

اما احیای کنونی سرمایه به یک نیاز دیگر پاسخ داد: نیاز به تدقیق اینکه - به لطف مجموعه‌ای از مطالعات جدید - کدام نسخه از این متن، که مارکس بیشتر نیروی [کار] فکری خود را برای آن گذاشت، قابل اعتمادترین است. این پرسش مدت‌ها در تعلیق بود؛ و این برمی‌گشت به شیوه‌ای که مارکس اثر خود را تولید و تکمیل کرده بود.

نسخه‌های مختلف از جلد اول

نیت نخستین انقلابی آلمانی، [مارکس]، هنگامی که نخستین پیش‌نویس کتاب خود را آماده می‌کرد (گروندریسه 1857-1858)، این بود که اثر خود را در شش جلد تنظیم کند. سه جلد اول به سرمایه، مالکیت زمین و کار مزدی اختصاص می‌یافت و سه جلد دیگر به دولت، تجارت خارجی [یا تجارت بین‌المللی] و بازار جهانی. اما آگاهی روزافزون مارکس از اینکه چنین طرح گسترده‌ای عملی نخواهد بود، او را وادار کرد که پروژه‌ای عملی‌تر را در پیش گیرد. او از خیر سه جلد آخر گذشت و تصمیم گرفت برخی از بخش‌های مربوط به مالکیت زمین و کار مزدی را نیز در کتاب سرمایه بگنجانند. بدین ترتیب، سرمایه به سه بخش تقسیم شد: جلد اول به فرایند تولید سرمایه [1]، جلد دوم به فرایند گردش سرمایه [2] و جلد سوم به فرایند کلی تولید سرمایه‌داری [3] اختصاص داده شد. علاوه بر این‌ها، قرار بود جلد چهارمی هم در کار باشد و به تاریخ نظریه تخصیص یابد - که البته هرگز شروع نشد و اغلب با نظریه‌های ارزش اضافی اشتباه گرفته می‌شود.

همان‌طور که می‌دانیم، مارکس تنها توانست جلد اول را تمام و کمال به پایان برساند. جلد‌های دوم و سوم پس از مرگ او منتشر شدند؛ جلد دوم در سال 1885 و جلد سوم در سال 1894، که به لطف تلاش‌های بسیار زیاد فریدریش انگلس این کار انجام شد. اگرچه محققان دقیق و سخت‌گیر بارها در مورد وثوق بودن این دو جلد پرسش‌هایی مطرح کرده‌اند، چرا که این جلد‌ها بر اساس دست‌نوشته‌های ناقص و پراکنده‌ای نوشته شده‌اند که سال‌ها از یکدیگر فاصله داشتند و مشکلات نظری بسیاری در آن‌ها باقی مانده، اما معدود افرادی هم هستند که به این سؤال پرداخته‌اند: آیا اصلاً از جلد اول نسخه‌ای نهایی در کار است؟

این پرسش دوباره به مرکز توجه مترجمان و ناشران بازگشته، و در سال‌های اخیر نسخه‌های جدید مهمی از سرمایه منتشر شده است. برخی از این نسخه‌ها در برزیل، ایتالیا و حتی ایالات متحده در سال 2024 منتشر شدند، جایی که انتشارات دانشگاه پرینستون هفته گذشته اولین نسخه انگلیسی جدید خود را به لطف مترجم پل رایتتر [4] و ویراستار پل نورث [5] پس از پنجاه

سال منتشر کرد. (روی هم رفته این چهارمین نسخه انتشارات دانشگاه پرینستون در طول این پنجاه است).

مارکس از ساختار جلد اول که سال 1867 پس از بیش از دو دهه تحقیق مقدماتی منتشر شد، راضی نبود. او در نهایت آن را به شش فصل بسیار طولانی تقسیم کرد. بیشتر از همه، او از نحوه بیان نظریه ارزش ناراضی بود، زیرا مجبور شده بود آن را به دو بخش تقسیم کند: یکی در فصل اول و دیگری در پیوستی که با عجله پس از تحویل دست‌نویس نوشته شده بود. بدین ترتیب، نوشتن جلد اول حتی پس از چاپ نیز بخشی از وقت و انرژی مارکس را گرفت.

در آماده‌سازی برای چاپ نسخه دوم، که مابین سال‌های 1872 و 1873 به صورت بخش‌به‌بخش منتشر شد، مارکس قسم‌های حیاتی مربوط به نظریه ارزش را بازنویسی کرد و چندین افزوده درباره تفاوت سرمایه ثابت و متغیر و ارزش اضافی، و همچنین در مورد استفاده از ماشین‌آلات و فناوری افزود. او همچنین ساختار کلی کتاب را بازطراحی، و آن را به هفت بخش تقسیم کرد که در مجموع شامل بیست و پنج فصل بود، که به طور دقیق‌تر خود به بخش‌هایی تقسیم می‌شدند.

مارکس با دقت فرآیند ترجمه روسی (1872) را پی گرفت، و انرژی بیشتری را نیز برای نسخه فرانسوی که مابین سال‌های 1872 و 1875 به صورت بخش‌به‌بخش منتشر شد، صرف کرد. او مجبور شد زمان بیشتری از آنچه انتظار داشت صرف بررسی ترجمه کند. از آن‌جا که از ترجمه تحت‌اللفظی مترجم ناراضی بود، صفحات زیادی را بازنویسی کرد تا بخش‌هایی را که مملو از تفصیل‌های [6] دیالکتیکی بودند برای مخاطبان فرانسوی‌زبان قابل‌هضم‌تر کند. او تغییرات لازم را ایجاد کرد. این تغییرات عمدتاً مربوط به بخش پایانی کتاب بودند که به «فرآیند انباشت سرمایه [7]» اختصاص داشت. او همچنین متن را به فصول بیشتری تقسیم کرد. در پیوست نسخه فرانسوی، مارکس نوشت که، نسخه فرانسوی «ارزش علمی مستقلی از نسخه اصلی» دارد و افزود که باید «با خوانندگانی که با زبان آلمانی آشنا هستند نیز مورد مشورت قرار گیرد».

بدیهی است که وقتی در سال 1877 پای نسخه‌ای انگلیسی به‌میان آمد، مارکس خاطرنشان کرد که مترجم «ضرورتاً باید نسخه دوم آلمانی را با نسخه فرانسوی مقایسه کند»؛ زیرا در این نسخه اخیر [فرانسوی] «چیزهای جدیدی اضافه کرده و بسیاری از موارد را بهتر توضیح داده» بود. بنابراین این‌ها تنها اصلاحات ظاهری نبودند. تغییراتی که او به نسخه‌های مختلف اضافه کرد، نتایج مطالعات مستمرش و اندیشه انتقادی همیشه‌در-حال-تحولش را باهم ادغام کرد.

مارکس نسخه فرانسوی را مرور، و مزایا و معایب آن را دوباره در سال بعد بررسی کرد. او به نیکولای دانیلسون [8]، که مترجم روسی سرمایه بود نوشت که، متن فرانسوی شامل «تغییرات و افزوده‌های مهم بسیاری است»، و اذعان داشت که مجبور شده «تفصیل‌ها را» به‌ویژه در فصل اول «بازتر» کند. بنابراین او احساس می‌کرد که باید تصریح کند که فصول مربوط به «کالا و پول [9]» و «دگرگونی پول به سرمایه [10]» باید «فقط بر اساس متن آلمانی ترجمه شوند». در هر صورت، می‌توان گفت که نسخه فرانسوی بسی بیش از یک ترجمه بود.

مارکس و انگلس در این مورد نظرات متفاوتی داشتند. نویسندگان نسخه جدید خوشحال بود و آن را در بسیاری از قسم‌ها بهبودیافته می‌دانست. اما انگلس، هرچند برخی از بهبودهای نظری

را تأیید کرد، از سبک ادبی‌ای که زبان فرانسوی تحمیل کرده بود، مردد بود. او نوشت: «فکر می‌کنم استفاده از نسخه فرانسوی به‌عنوان مبنای ترجمه انگلیسی اشتباه بزرگی باشد».

بنابراین، هنگامی که از انگلس خواسته شد کمی بعد از مرگ رفیقش نسخه سوم آلمانی از جلد اول (1883) را آماده کند، «تنها ضروری‌ترین تغییرات» را اعمال کرد. پیشگفتارش به خوانندگان می‌گفت، مارکس قصد داشت «بخش زیادی از متن جلد اول را بازنویسی کند»، اما مشکلات سلامتی مانع از انجام این کار شده بود. انگلس از یک نسخه آلمانی استفاده کرد که در چندین بخش توسط خود مارکس اصلاح شده بود و نسخه‌ای از ترجمه فرانسوی که مارکس تغییرات ضروری را در آن نشان داده بود. انگلس در اصلاحات خود محدود بود و گزارش داد که «هیچ کلمه‌ای در این نسخه سوم تغییر داده نشد، مگر اینکه من به‌طور قطعی معتقد بودم که خود نویسنده هم آن را تغییر می‌داد». با این همه، او تمام تغییرات مورد نظر مارکس را درج نکرد.

ترجمه انگلیسی (1887)، که کاملاً تحت نظارت انگلس انجام شد، بر اساس نسخه سوم آلمانی بود. او تأکید کرد که این متن، مانند نسخه دوم آلمانی، از ترجمه فرانسوی برتر است. مخصوصاً به دلیل ساختار فصولی که دارد. او در پیشگفتار نسخه انگلیسی توضیح داد که نسخه فرانسوی بیشتر برای این استفاده شده که، «نویسنده تا چه حد خودش آماده بوده که در ترجمه، معنای کامل متن اصلی را فدای چیزی کند». انگلس مدتی قبل‌تر، در مقاله‌ای با عنوان «مارکس را چگونه ترجمه نکنیم [11]»، به شدت ترجمه ضعیف جان برودهاوس [12] از برخی صفحات سرمایه را کوبید، و گفت: «آلمانی قوی به انگلیسی قوی نیاز دارد تا بتواند آلمانی-به-انگلیسی را به‌درستی منتقل کند [...] واژه‌های جدید آلمانی به معادل‌های تازه‌ای در انگلیسی نیاز دارند».

نسخه چهارم آلمانی در سال 1890 منتشر شد؛ این آخرین نسخه‌ای بود که انگلس آماده کرده بود. او با زمان بیشتری که در اختیار داشت، توانست اصلاحات بیشتری را که مارکس در نسخه فرانسوی انجام داد، به متن وارد کند، هرچند از خیر برخی‌شان هم گذشت. انگلس در پیشگفتارش نوشت: «پس از مقایسه مجدد نسخه فرانسوی و یادداشت‌های دست‌نوشته مارکس، من چندین افزوده دیگر را از آن ترجمه به متن آلمانی اضافه کرده‌ام». او از نتیجه نهایی خود بسیار راضی بود. فقط در آن نسخه مشهوری که کارل کائوتسکی در سال 1914 آماده کرد، تغییرات بیشتری اعمال شد.

در جست‌وجوی نسخه نهایی

نسخه 1890 انگلس از جلد اول سرمایه، به نسخه مرجع تبدیل شد، و بیشتر ترجمه‌های جهانی از روی آن صورت گرفت. تاکنون، جلد اول به 66 زبان منتشر شده و در 59 مورد از این پروژه‌ها، جلد‌های دوم و سوم نیز ترجمه شده‌اند. به‌جز مانیفست کمونیست، که به‌طور مشترک با انگلس نوشته شده و احتمالاً بیش از 500 میلیون نسخه از آن چاپ شده، و همچنین کتاب کوچک سرخ [13] مائو که تیراژ بسیار بیشتری داشت. هیچ‌کدام از کلاسیک‌های سیاست، فلسفه یا اقتصاد، دارای چاپی به‌اندازه جلد اول سرمایه نبوده‌اند.

با این حال، بحث درباره بهترین نسخه همچنان ادامه دارد. کدام یک از این پنج نسخه ساختار بهتری دارد؟ کدام نسخه شامل دستاوردهای نظری مارکس در سال‌های بعد است؟ اگرچه جلد

اول مشکلات و پیچیدگی‌های [ویرایشی] نسخه‌های دوم و سوم را ندارد - که شامل صدها تغییر انجام شده توسط انگلس است - اما کماکان نیز چالش برانگیز است.

برخی از مترجمان تصمیم گرفته‌اند به نسخه 1872-1873، آخرین نسخه آلمانی که مارکس اصلاح کرده بود، تکیه کنند، همانطور که رایتر و نورث در نسخه جدید انگلیسی نیز این کار را کرده‌اند. نسخه آلمانی 2017 (ویرایش شده توسط توماس کوچینسکی [14]) پیشنهادی متفاوت ارائه داده، و مدعی است به نیت مارکس وفادارتر است. این نسخه شامل تغییرات بیشتری می‌شود؛ همان تغییراتی که برای ترجمه فرانسوی آماده شدند، اما انگلس بیخیال‌شان شد. اولی محدودیتی دارد، در این که بخش‌هایی از نسخه فرانسوی که قطعاً از نسخه آلمانی بهتر هستند نادیده گرفته شده‌اند، اما دومی متن را برای خواندن پیچیده و دشوار کرده است.

بنابراین آن نسخه‌هایی بهتر هستند که پیوستی با تغییرات انجام شده توسط مارکس و انگلس برای هر نسخه دارند، و همینطور برخی از دست‌نوشته‌های مهم مارکس را هم که تاکنون تنها به زبان آلمانی و چند زبان دیگر منتشر شده‌اند، شامل باشند. با این همه، هنوز هیچ نسخه‌ای نهایی از جلد اول وجود ندارد. مقایسه نظام‌مند اصلاحات انجام شده توسط مارکس و انگلس هنوز نیازمند تحقیق بیشتر از سوی دقیق‌ترین دانش‌آموزان آنها است.

مارکس اغلب قدیمی و منسوخ خوانده شده است و مخالفان اندیشه‌های سیاسی‌اش دوست دارند از او یک شکست‌خورده بسازند. اما دوباره، نسل جدیدی از خوانندگان، فعالان و پژوهشگران در حال مطالعه نقد او بر سرمایه‌داری هستند. در روزهای تاریکی مثل امروز، این نوید کوچکی برای فرداست.

منبع

<https://jacobin.com/2024/09/marx-engels-capital-revision-translation>

The Process of Capital Production [1]

The Process of Capital Circulation [2]

The Overall Process of Capitalist Production [3]

Paul Reitter [4]

Paul North [5]

dialectical exposition [6]

The Process of Capital Accumulation [7]

Nikolai Danielson [8]

The Commodity and Money [9]

The Transformation of Money into Capital [10]

How Not to Translate Marx [11]

John Broadhouse [12]

The Little Red Book [13]

Thomas Kuczynski [14]

کلیدواژه ها:

پارسا زنگنه کارل مارکس کتاب سرمایه مارچلو موستو مارکسیسم مجله ژاکوبن
نوشتارهای ارسالی

دیدگاهتان را بنویسید

نشانی ایمیل شما منتشر نخواهد شد.

دیدگاه

⇒

نام

ایمیل

وب سایت

ذخیره نام، ایمیل و وبسایت من در مرورگر برای زمانی که دوباره دیدگاهی می نویسم.

کد امنیتی:

= 6 + 3

فرستادن دیدگاه